قدرت دعا

آیا دعا واقعاً می‌تواند چیزی را تغییر دهد؟

موعظه‌ای از Hans-Jörg Ronsdorf

خود خدا به دعا اهمیت داده و خود را به دعای فرزندانش پایبند کرده است؛ از این راه، مسیر رویدادها می‌تواند تغییر کند. نمونه‌ها: حزقیال 22:29-31؛ مزامیر 106:23؛ خروج 32:10-14. در روزگار حزقیال کسی نبود که شفاعت کند. نبودِ دعا پیامدهای بدی دارد. دعا می‌توانست داوری را باز دارد. موسی دعا کرد و داوری برگردانده شد.

عیسی و دعا: ارادهٔ خدا بر زمین انجام نمی‌شود. دست‌کم نه همه‌جا. از این رو باید دعا کنیم که ارادهٔ او چنان‌که در آسمان است، بر زمین نیز انجام شود. دعا کمک می‌کند که ارادهٔ خدا انجام شود – بیش از وقتی که برایش دعا نکنیم.

جان وسلی (John Wesley) با کمی اغراق گفته است: «خدا هیچ کاری نمی‌کند، جز آنکه به دعاهای ما پاسخ دهد.» خدا به شکلی خارق‌العاده به دعاهای قومش پاسخ می‌دهد، برای نمونه موسی در کنار دریای سرخ، یا افزوده شدن عمر حزقیا. دعای مرد عادل در عمل، قوت بسیار دارد! (یعقوب 5:16)

ضرورت ارتباط میان خدا و انسان: خدا می‌خواهد با ما در رابطه‌ای شخصی باشد. این تنها از راه ارتباط ممکن است – همان‌گونه که میان انسان‌ها نیز بدون ارتباط، مشارکتی وجود ندارد. خدا جهان را چنان ساخته است که بسیاری از آنچه رخ می‌دهد با ارتباط ما با او پیوند دارد.

دعا و اختیار تصمیم‌گیری همراه با مسئولیت اخلاقی: خدا جهان را چنان ساخته است که نه فقط او بر ما اثر می‌گذارد، بلکه ما نیز بر او اثر می‌گذاریم. خدا می‌خواهد ارادهٔ او بر زمین انجام شود. او از طریق نمایندگان عمل می‌کند: انسان‌ها که به صورت او آفریده شده‌اند، باید بر زمین فرمانروایی کنند. **دعا شکلی روحانی، نادیدنی و موقت از فرمانروایی است – ما برای چیزهایی دعا می‌کنیم که باید همین‌جا بر زمین رخ دهند. وقتی در دعا با او هم‌رأی می‌شویم، در فرمانروایی با او شریک می‌شویم.**

فوریت دعا: خدا دعا را جدی می‌گیرد؛ خود را به آن پایبند می‌کند، درست همان‌گونه که به آزادی انتخاب و به پایداری جهان پایبند است. واقعاً چنین است که بسیاری چیزها بستگی دارد به اینکه قوم خدا دعا کند یا نه – برخی چیزها فقط وقتی رخ می‌دهند که دعا کند. خود خدا چنین مقرر کرده است که دعا عاملی تعیین‌کننده باشد که معلوم می‌کند خدا در موقعیتی معین چه کاری می‌تواند بکند یا نمی‌تواند بکند.

فوریت و محدودیت: ممکن است کسی از این نتیجه‌ای نادرست بگیرد، گویی همه‌چیز به دعای ما بستگی دارد. ما به تعادل نیاز داریم در اینکه چگونه مسئولیت و وظیفهٔ خود را به کار ببریم. در زندگی عادی نیز همین‌طور است. می‌توانیم برای یک میلیون چیز دعا کنیم، اما وقتمان محدود است. از این رو حتی خوب است دعا کنیم که دعای خود را بر چه چیزی متمرکز کنیم. **ما به تعادلی نیاز داریم میان این فرض که همه‌چیز به دعای ما بستگی دارد و این فرض که هیچ‌چیز به آن بستگی ندارد.**

چرا دعاهای مستجاب‌نشده وجود دارد؟ ما دعا می‌کنیم و خدا در بستر آفرینشی پاسخ می‌دهد که به‌طرزی باورنکردنی پیچیده است و زیر بار جنگی کیهانی رنج می‌برد. **دعا در آنجا تفاوت ایجاد می‌کند.** اما دعا تنها چیزی نیست که جهان را رقم می‌زند. فرشتگان و انسان‌های بسیاری که اراده‌ای آزاد و بازگشت‌ناپذیر دارند، و

قوانین طبیعت که جهانی پایدار را تضمین می‌کنند، نیز در این میان نقش دارند. خدا این را محترم می‌شمارد؛ او خود چنین خواسته است. اما ما هیچ نمی‌دانیم عاملِ دعای ما با این عوامل دیگر چه نسبتی دارد، یعنی خدا بر اساس دعاهای ما با آن‌ها چگونه رفتار می‌کند. دعاهای ما پاسخ داده خواهند شد، اما اغلب نه آن‌گونه که تصور می‌کنیم.

عواملی که بر اثربخشی دعا اثر می‌گذارند – قواعدی که خود خدا می‌دهد:

ارادهٔ خدا: این تنها عامل نیست، اما بنیادی‌ترین آن‌هاست. درخواست مطابق ارادهٔ او شرط استجابت است (اول یوحنا 5:14؛ متی 26:39؛ دوم قرنتیان 12:7). اما ارادهٔ خدا همیشه به معنای ارادهٔ آرمانی خدا یا نقشهٔ کامل او نیست. خار در جسم آرمانی نبود، اما برای پولس بهتر بود که آن را داشته باشد. آن خار او را از غرور حفظ کرد! آیا برخی از دعاهای ما مستجاب نمی‌شوند چون استجابتشان ما را مغرور می‌کرد؟ علت مستجاب نشدن دعاها لزوماً در ارادهٔ خدا نیست (اگر کسی که برایش دعا می‌کنم توبه نکند و به سوی خدا بازنگردد، خدا بازگشت او را می‌خواهد، اما «نه»ِ آن شخص را محترم می‌شمارد).

ایمان کسی که برایش دعا می‌شود: به سبب بی‌ایمانی در ناصره، عیسی فقط توانست معجزه‌های اندکی در آنجا انجام دهد (مرقس 6:5-6). عیسی چند بار به کسانی که شفا داده بود گفت: «ایمانت تو را شفا داده است» (متی 9:22؛ مرقس 10:52؛ لوقا 17:19). اما نمی‌توانیم این را برعکس کنیم و تعمیم دهیم: اگر شفا رخ ندهد، علتش لزوماً کمبود ایمان نیست. ممکن است دلایل بسیاری وجود داشته باشد که ما نمی‌توانیم به آن‌ها پی ببریم، برای اینکه چرا دعایی مستجاب نشده است. اما ایمان کسی که برایش دعا می‌شود، یکی از عوامل است!

ایمان دعاکنندگان: لوقا 5:20: مرد مفلوجی که از سقف پایین فرستاده شد؛ متی 8:13: افسر رومی؛ اما همچنین مرقس 9:14-29: شاگردان نمی‌توانند دیو را بیرون کنند. همچنین ببینید: یعقوب 1:6-7. اما دعای مستجاب‌نشده معمولاً به این معنا نیست که شخص ایمان نداشته است. این یک اصل است که ایمان، دعا را مؤثرتر می‌کند، اما قاعده‌ای نیست که دعا همیشه مستجاب می‌شود.

دعای پیوسته: در زندگی دیدنی، کارهایی هست که به پایداری و زمان نیاز دارند. در زندگی دعا هم همین‌طور است (لوقا 11:5-8؛ 18:1). دعا جادو نیست، بلکه کاری روحانی است. باید چنان دعا کنیم که گویی به چیزی بسیار فوری نیاز داریم. بی‌وقفه (اول تسالونیکیان 5:17). اما اگر دعایی مستجاب نشود، لزوماً به این معنا نیست که کم دعا کرده‌ایم. در عین حال، دعای طولانی هم تضمین نمی‌کند که دعا مستجاب شود. این یک اصل است، نه تضمین تحقق – زیرا عوامل بسیار زیادی نقش دارند.

شمار کسانی که برای چیزی دعا می‌کنند: برخی کارها را در قلمرو طبیعی نمی‌توان به‌تنهایی انجام داد، یا بسیار طول می‌کشد. در قلمرو روحانی هم چنین است. از این رو از کلیسا می‌خواهیم که برای چیزی دعا کند. دو یا سه نفر هم‌دل می‌شوند (متی 18:19)، جماعت دعا کرد (اعمال رسولان 4:24). کثرت دعاکنندگان به دعا بُعدی دیگر می‌دهد، غیر از وقتی که کسی تنها دعا می‌کند. قاعده نیست، اما یک اصل است.

ارادهٔ آزاد انسان: جهنم گواه جدی این است که خدا ارادهٔ انسان را جدی می‌گیرد. او انسان‌ها را چنان آفرید که خودشان تصمیم بگیرند و خدا این اراده را محترم بشمارد. وقتی برای توبه و بازگشت کسی دعا می‌کنیم، خدا این اراده را زیر پا نمی‌گذارد، وگرنه همه نجات می‌یافتند. اما دعای ما کار روح را در این انسان‌ها مؤثرتر می‌کند. قدرت الهی وادار نمی‌کند، بلکه قانع می‌کند: و قدرت او محبت است!

ارادهٔ آزاد فرشتگان: فرشتگان می‌توانند بر استجابت دعاها اثر بگذارند. دانیال ناچار بود صبر کند تا فرشته‌ای بیاید که فرشتهٔ دیگری راهش را بسته بود. این زمان‌بندی خدا نبود، بلکه مقاومت و جنگ روحانی در جهان نادیدنی بود (دانیال 10:12-13). شیطان مانع شد که پولس به دیدار تسالونیکیان برود، هرچند او برای این دعا می‌کرد (اول تسالونیکیان 2:18؛ 3:10). قدرت‌ها بر استجابت یا بازداشتن دعا اثر دارند. آن‌ها ممکن است علت مستجاب نشدن دعا باشند، و در این صورت نباید آن را به خدا نسبت دهیم.

شمار و قدرت موجودات روحانی: جنگ روحانی، مانند جهان دیدنی، با این ویژگی‌ها نیز ارتباط دارد. فرشتگان به یاری یکدیگر می‌آیند، چون این تفاوت ایجاد می‌کند (دانیال 10:13). خادم الیشع انبوه فرشتگانی را دید که به یاری آمده بودند (دوم پادشاهان 6:16-17). مردی نه یک دیو، بلکه دیوهای بسیار داشت که عیسی آن‌ها را بیرون کرد (مرقس 5:1-9). شاگردان نتوانستند دیوی قوی را بیرون کنند (مرقس 9:14-29). هفت روح بازمی‌گردند (لوقا 11:24-26). لازم نیست بترسیم، زیرا او که در ماست از روح جهان بزرگ‌تر است (اول یوحنا 4:4).

گناه: هر جا گناهی آشکار، دشمنی یا ناآمادگی برای بخشیدن وجود دارد، باید با گناه روبه‌رو شد: باید آن را ترک کرد و به آن اعتراف نمود تا بتوانیم دوباره همچون عادلان مؤثر دعا کنیم.

چگونه می‌توانیم در این منطقهٔ جنگی، با هزار پرسش و دعاهای مستجاب‌نشده، مسیحی‌وار زندگی کنیم؟

چشمان خود را به عیسی بدوزیم – و تصویرمان از خدا را از تجربه‌هایمان شکل ندهیم!

خدا با ما و در کنار ماست! همیشه!

خدا می‌تواند از هر موقعیت و هر رنجی، چیزی نیکو برای ما پدید آورد (حتی اگر او خود باعث آن بدی نبوده باشد).

پرسش «چرا؟» را که هیچ‌کس نمی‌تواند پاسخ دهد مطرح نکنیم، بلکه در برابر رنج و در برابر شر بایستیم و آن را نپذیریم. درست همان‌گونه که عیسی کرد!

چگونه می‌توانیم زندگی کنیم و راه درست و تصمیم‌های درست را بیابیم؟ با زندگی کردن و هدایت شدن به‌وسیلهٔ روحی که در ما ساکن است!

در امید آفرینش تازه زندگی کنیم! همهٔ رنج‌ها به پایان خواهد رسید! به‌زودی!

بسیاری از اندیشه‌های این موعظه را مدیون گرگوری ای. بوید (Gregory A. Boyd) هستم.